

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژان میشل ورنوشه
برگردان از: حمید محوی
۲۶ جون ۲۰۱۳

ایران، تخریب ضروری

بخش ۱۶ - آخر



ضمیمه ۴

۲۲ فبروری ۲۰۱۲ - جنگ پولی، جنگ جهانی

برنامه جنگ، به شکلی که امریکائی ها دوست دارند بگویند، پیش از همه در زمینه جنگ اقتصادی تدارک دیده می شود - مرحوم میتران گفته بود «جنگی ویرانگر که نام خود را اعلام نمی کند» - و علاوه بر این از طریق جنگ پولی ادامه یافته و یا ورشکستگی در شرف تکوین ساختاری و جهانی را مثل سایه همراهی می کند. نظام ورشکسته است زیرا به شکل درون بود منحرف بوده و روی دروغ و قرض پایه گذاری شده است. در نتیجه می توانیم بگوئیم که استفاده و ایجاد ثروت مجازی، یعنی ثروتی که خارج از بازی نوشتاری کمپیوتری وجود خارجی ندارد، یعنی ابزاری که در هر ثانیه موج فوق العاده ای از جریان پول مجازی را به وجود می آورد. پول مجازی با این وجود در پایان به شکل قدرتی واقعی تبدیل شده و به در اختیار صاحبان آن قرار می گیرد. واقعیت مجازی، واقعیت مجازی ماتریس سیستم : ۴۰۰۰۰ میلیارد دالر، حجم اقتصاد واقعی است، ۷۰۰۰۰۰۰ میلیارد دالر، بیست بار بیشتر، حجمی است که سالانه در شریانهای تله ماتیک میادین مالی جریان می یابد.

در ماتریس سیستم، ما در کیسه آب جنینی انباشته از دروغ شناور هستیم

از سال ۱۹۷۱ و ترک تبدیل طلا به دالر، حذف سریع قواعد و موازین و نرخ شناور ارز، ایالات متحده دارای امتیاز نظام پولی خاصی است که تنها برارنده و برای تأمین منافع او می باشد. امکاناتی که، اگر در تعلق یک دولت و

پشتیبانی و هماهنگی بخبگانی نبود که به فنتیشیم لیبرال گرویده اند، می توانست به راحتی در حیطه یک سازمان تهیهکار و مافیائی باشد.

امروز ایالات متحده پول تقلبی منتشر می کند، سیاره زمین انباشته از دالرهائی شده که تنها ارزش آن همان کاغذی است که در چاپخانه برای چاپ آن به کار رفته. نهادهای مالی ایالات متحده با دعای خیر وزارت خزانه داری، رهبران کشورهای به ویژه اروپای جهان سومی شده را خریداری کرده و تشویق به بزهکاری کرده و کشورهائیشان را با ضمانت اموال ملی که دولتها وظیفه حفظ و نگهداری آن را به عهده دارند به زیر بار قرض می کشانند. به همین شکل بود که یونان در دام گلدمن ساکس افتاد.

آژانس مرکزی جاسوسی و جنگ اخلاص گرانه و ناقص نظم عمومی، به عبارت دیگر سازمان سی. آی. ای. (سیا) به سهم خود پول موازی چاپ می کند - یعنی دالرهائی تقلبی واقعی - و این پولهای تقلبی را در پایه و اساس طرح های جنایتکارانه اقتصادی به خدمت می گیرد: مواد مخدر، سلاح، فعالیت های بزهکارانه، و غیره. اما خود دولت فدرال، همت عالی اوراق بهادار برای خزانه خودش به چاپ رساند. فهرست بزهکاری ها و جنایات زشت تکراری توسط مبتذل ترین و لیبرال ترین و پاکدین ترین کشور جهان، با قطع نظر از هم پیمانان وهابی و قطری و سعودی طولانی خواهد بود. یا باز هم می توانیم از دیگر هم پیمانان مانند جهاد طلبان و سلفیست های القاعده که از افغانستان تا سوریه با عبور از بوسنی، کوزوو، عراق، لبنان، سودان، لیبیا و... یاد کنیم که با اعتقاد راسخ و به همان اندازه مذهبی و پاکدین به طرح های سیاه امریکای نفرت انگیز در اعماق بروکلین روی شطرنج تسلط جهانی خدمت کردند.

در اینجا آیا دوباره باید در مورد تحریف آمار اقتصادی حرف بزنیم که ایالات متحده را به الماس دموکراتیک تبدیل کرده، یعنی کشوری که در گذشته رقیب شوروی سابق تلقی می شد، یعنی جائی که تمام داده های رسمی کاملاً ساختگی بود؟ در نتیجه، تولید ناخالص داخلی امریکا ۳۵ درصد نازلتر از رقمی است که رسماً اعلام شده. از سوی دیگر، چینی ها در گمانه زنی هایشان تولید ناخالص داخلی امریکا را نصف رقم اعلام شده به حساب آورده اند.

بر این اساس، در مجموع، بدهکاریهای ایالات متحده، پس از بازبینی رقم اعلام شده، به ۲۰۰ درصد تولید ناخالص داخلی واقعی می رسد. به همین گونه نهادهای مالی و بانکی که بیلاس هایشان غالباً تحریف شده است، در واقع پنج شرکت معتبر طرفدار سیستم در این کلاهبرداری و تحریف شرکت دارند: به مناسبت بحران ۲۰۰۸ با فروپاشی اعتبارات فرضی (با ریسک اعتباری) دیدیم، دو شرکت مالی از معتبرترین شرکتهای مالی در بازار، «فردی مک و فانی مای» (۸۵) و به همین گونه بانک «لهمن برادرز» (۸۶)، ولی پیش از این، ماجرای «انرون» (۸۷) به شکل گسترده تخمین تحریف شده را بر ملا ساخته بود.

اضافه کنیم که در ایالات متحده، از مارچ ۱۹۸۸، گروه «ورکینگ» (۸۸) بورس را بر اساس گزاره های ذخیره فدرال هدایت می کند (برای این که نگوئیم تحریف می کند)، مجتمعی از بانکهای خصوصی که خودشان را به جای انجمن های غیر انتفاعی معرفی می کنند. در عین حال رسماً از سال ۱۹۹۹ توسط «واشینگتن اگرمنت آن گولد» (۸۹) تحریف بهای طلا و نقره و فلزات گرانبها. قراردادی که نوزده بانک مرکزی را - که عموماً اروپائی هستند و سویس نیز بین آنها دیده می شود - موظف می دارد که سالانه مقادیر زیادی طلا (۴۰۰ تن در سال ۲۰۰۹) برای تنظیم بهای این فلز به فروش بگذارند. به موازات این بازار، بهای مواد اولیه صنعتی یا کشاورزی بر اساس محصولات مشتق و دیگر ابزارهای سوداگرانه تنظیم می شود.

تمام این تحریفات هدف واحدی را پی گیری می کند که به سادگی قابل شناسائی است: صحنه پردازی و شبیه سازیهایی که از نمای دور برای آنهایی که آگاه نیستند، ثبات و تحکیم نظام مالی و پولی حاکم توسط ایالات متحده و واحد پول این کشور یعنی دالر (خدا- دالر) را به نمایش می گذارد. تمام این موارد چیزی به جز تبلیغات تو خالی و پوشالی برای ایجاد

فریب بصری در چشم انداز نیست، صحنه آرائی که فروپاشی آن قابل پیشبینی بوده و همه ما را به سوی فروپاشی نهائی سوق می دهد. اگر تا کنون به مرحله تکوین فروپاشی نرسیده باشیم.

جنگ پولی

نومبر ۲۰۰۸، به مناسبت گروه کشورهای ۲۰، چین در مقام سخن گوی کشورهای نوظهور (برزیل، جمهوری آفریقای جنوبی، هند و کشورهای دیگر) علیه نظام فعلی موضع گرفت، و درخواست کرد که دالر جایگزین شود و سببی از مواد اولیه (طلا، نقره، نفت، و غیره) برای ارزش گذاری ایجاد گردد. در آغاز سال ۲۰۱۱، ذخیره چینی ها به ۲۸۴۷ میلیارد دالر می رسید، یعنی حجمی که سنگینی پیشنهاد پکن را نشان می داد. ولی طرح چینی ها تنها نیست، و این موضوع به ما اجازه می دهد که بهتر نبرد برای طلا را درک کنیم، بسیاری از دولتها و مهمترین آنها خواهان بازگشت به استاندارد طلا یا نظام های مخلوط در مشارکت با طلا هستند.

از چنین چشم اندازی پی می بریم که دولت های امریکا، انگلیس و اروپائی از طریق بانک مرکزی اروپا، و همه از طریق ناتو و بسیج عمومی برای راه اندازی جنگ بر آن هستند تا انحصار یا دسترسی و بهره برداری از منابع و ثروت جهان و به همین گونه شبکه های تجاری را به خود اختصاص دهند. اگر چه قدرت مالی مطمئناً حرف آخر نظام نیست که سرانجام جنگ در عرصه اجتماعی- طبیعی که پول و قدرت آن تنها یکی از راه ها یا یکی از شیوه ها می باشد.

در هر صورت، جنگ علیه لیبیا موجب شد که ذخیره طلای جمهوری لیبیا را به تاراج ببرند، به همان شکلی که در جنگ ۲۰۰۳ ذخیره دالره های بانک مرکزی عراق با چندین هواپیمای باری تخلیه شد. بدهکاری های دولتی با تبانی طبقه سیاسی کمپرادور (بورژوازی وابسته و معامله گر) عوام فریب و بی شرم، در فراسوی هر تصویری، به دقت سازماندهی شد، و موجب شد که اموال عمومی، منابع و ذخیره یونان، پرتغال، اسپانیا، و به همچنین تا حدودی اموال فرانسه با چکش حراج، به آنی که بیشتر می پرداخت فروخته شود.

امروز جبهه ها به روشنی ترسیم شده است: ایالات متحده، اسرائیل، انگلستان، فرانسه، آلمان، ترکیه، و اتحادیه عرب، مجموعه ای از منافع تقریباً به هم پیوسته را علیه ایران تشکیل می دهند. ایران متحد قسم یاد کرده و عین سوریه و لبنان، با پشتیبانی چین و روسیه - تا جائی که ممکن باشد - دولت هائی که به سیستم جهانی تعلق دارند. وضعیت عراق، پاکستان و هند به دلیل پیچیدگی های منافع بیشتر محکوم به نوسان است. اگر چه ملت هائی که این کشورها را تشکیل می دهند رویکرد کمابیش ثابتی دارند، هند با روسیه و پاکستان با چین.

اگر جنگ سخت روی ندهد، جنگ مواد اولیه، تحریف ارزش ها، دیکتاتوری بیش از پیش تحمل ناپذیر دالر اندک اندک تعادل را تغییر می دهد. سرانجام، چنین مواردی به نفع غرب بحران زده تمام نخواهد شد، هر چند که در زمینه مهندسی مالی ماهر باشند، زیرا جنگ ها می توانند پیروز شوند و در عین حال در جهانی که در حال چند قطبی شدن است، ناقوس قدرت برتر می تواند به صدا درآید.

پی نوشت :

85)Freddie mac , Fannie Mae

86)Lehman Brothers

87)Enron

88)Working Group on Financial Market

89)Washington Agreement on Gold

پایان نوشت:

کتاب حاضر با این بلند پروازی نوشته شده است تا نشان دهد که یک اندیشه - نظریه - می تواند به زندگی خاص خود ادامه دهد و بر این اساس تاریخ ساز باشد و جریان هائی را هدایت کرده و انسان ها را به منطق محتومی محکوم کند که نتوانند از آن رهائی یابند.

حیات ملت ها مستلزم جست و جوی دائمی انرژی بوده که در قرن بیست و یکم به تقابل وحشیانه تبدیل شده، و به همین علت برای دستیابی به منابع یا کنترل راه های انتقال آن به جنگ افروزی روی آورده اند.

ولی این موضوع در رابطه با اندیشه محرکی که امروز جهان را سازماندهی می کند و معرف اهداف بازیگران آن است، وجه ثانوی دارد. خواست برتری جوئی ابتداء ملت هائی را که به سطح خاصی از قدرت رسیده بودند به خدمت می گرفت، امروز این خواست برتری جوئی در خدمت نظام جهانی و «الیگوپل» (انحصارات) است و سرانجام خودشان زندانی آن شده اند.

ایران باید تخریب شود زیرا منطق نظام به شکل مستقل از خواست انفرادی رهبران جهان آزاد به حیات خود ادامه می دهد یعنی رهبرانی که از مدتها پیش دیگر قادر به تصمیم گیری مستقل برای جامعه خودشان نیز نبوده و اسیر نیروهای ابرتعیین کننده، مادی، اسطوره ئی و ایدئولوژیک هستند.

بهار ۲۰۱۲

گاهنامه هنر و مبارزه
۲۵ جون ۲۰۱۳